

## از خاک تا جلال

عهدجدید، درس ۲۳- عبرانیان

من همیشه گفتم اگه زندانی می شدم و در حبس انفرادی بودم و اجازه داشتم در طول اقامتم فقط یک کتاب داشته باشم، مشخصاً کتابی که می خواستم با خودم داشته باشم، کتاب مقدس بود. بعد در ادامه گفتم، اگه فقط می تونستم یک باب از کتاب مقدس رو بخونم، باب شش اشعیا رو می خوندم. اگه می تونستم فقط یک آیه از کتاب مقدس رو بخونم، یک آیه از باب پانزده پیدایش رو می خوندم.

اما اگه می تونستم یک کتاب از کتاب مقدس رو به همراه داشته باشم که به من تسلی و دلداری بده و منو بنا کنه، خیلی از افراد تعجب می کنند که کتاب منتخب من، کتاب عبرانیان. مردم میگن، «ما فکر کردیم تو حتماً رومیان رو انتخاب می کردی.» من میگم، «خُب، نه، من محتوای اونو می دونم.»

به نظرم می تونم اکثر مطالبش رو بدون اینکه این کتاب جلوم باشه، به یاد بیارم. اما چیزی که در عبرانیان دوست دارم، اینه که اگه یک کتاب بتونه کل نظر خدا رو یکجا اعلام کنه، این همون کتابه. این در ارتباط دادن عمل نجات بخش خدا از عهدعتیق و تلفیقش با مکاشفه‌ی خدا در عهدجدید، خیلی غنی هست. پس این یکی از دلایلی هست که به کتاب عبرانیان، اینقدر علاقه دارم.

دلیل دیگه اینه که کتاب عبرانیان، یکی از باشکوه‌ترین تصاویر مسیح در کل کتاب مقدس رو به ما میده. تعالی مسیح و برتری کار و جایگاه او در عالم هستی، در همه‌ی صفحات کتاب عبرانیان دمیده شده.

بیا بید ببینیم این کتاب چطوری شروع می شه. در باب یک از رساله‌ی عبرانیان این کلمات رو می خونیم، آیه‌ی یک، «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق‌های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله‌ی او عالم‌ها را آفرید؛ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه‌ی قوت خود حامل همه‌ی موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی‌علین بنشست، و از فرشتگان افضال گردید، بمقدار آنکه اسمی بزرگ‌تر از ایشان به میراث یافته بود.»

من به سختی می تونم بدون نفس گرفتن، این جمله رو بخونم، نه به خاطر طولانی بودن و ماهیت دشوار این اعلامیه، بلکه به خاطر غنای مطالبی که در بیانیه‌ی آغازین نامه‌ی عبرانیان به طور فشرده بیان شده. طرز بیان این متن، صفت مشخصه‌ی کل این نامه هست. در واقع، کلمه‌ی نامه، منو خفه می کنه، چون بعضی پیشنهاد کردند که قالب ادبی اولیه‌ی عبرانیان، رساله نیست، چنانکه این چیز مرسوم‌ی برای پولس رسول بود، بلکه بعضی استدلال می کنند که اینجا یک موعظه‌ی بسیار قدیمی داریم، موعظه‌ای که تمرکز اصلیش بر شکوه و عظمت مسیحه.

و کیفیت ادبی این کتاب، معمولاً بالاترین کیفیت رو در عهدجدید داره، و بلافاصله این سؤال رو در مورد نویسنده‌ش ایجاد می کنه. ما می دونیم در کلیسای اولیه، وقتی کلیسا کتاب‌های گوناگونی رو تفکیک می کرد که در دوران رسولان نوشته شده بود و در نهایت تعیین می کرد که کدامشون به درستی و از رسولانه و کدامشون مدعی این عنوانه، مناظراتی درباره‌ی حقانیت کتاب عبرانیان وجود داشت.

و از گزارشات تاریخ متوجه می شیم چیزی که یکبار برای همیشه این مشاجره رو در کلیسا از بین برد، این اعتقاد بود که عبرانیان توسط پولس رسول نوشته شده؛ ولی تقریباً هیچ صاحب‌نظری در قرن بیستم این اعتقاد را نداره که پولس کتاب عبرانیان رو نوشته، چون سبک ادبی، لغات و این چیزها، و حتی سازماندهی بعضی از موضوعات، با سبک مرسوم او خیلی فرق داره. اما به هر حال، این سؤال رو ایجاد می کنه که اگه پولس اونو ننوشته، پس کی نوشته؟ هیچ کس نمی‌دونه. اسامی مختلفی پیشنهاد شده: آپولوس، برنابا، لوقا؟

بعضی حتی استدلال کردند که پرسکله این کتاب رو نوشته، اما این سؤال بی جواب می‌مونه.

حالا علاوه بر این سؤال، ما نمی‌دونیم دقیقاً برای چه کسانی نوشته شد و در چه شرایطی بود. حالا این مشکلات مهمی رو در تفسیر این کتاب ایجاد می‌کنه. یکی از مباحثات بزرگ درباره‌ی کتاب عبرانیان، نحوه‌ی درک باب ششم عبرانیان که درباره‌ی کسانی صحبت می‌کنه که طعم عطیه‌ی آسمانی رو چشیدند و الی آخر، و کسانی که از اون دور شدند، غیر ممکنه که اونها رو دوباره با توبه احیا کنیم. این عبارت، تصادفاً، نه تنها در زمان ما مباحثاتی رو ایجاد کرده، بلکه در کلیسای اولیه هم در رابطه با پیغام و معنی اون مباحثاتی رو ایجاد کرد، چون ظاهراً به وضوح اعلام می‌کنه که مردم می‌تونند نجاتشون رو از دست بدن و از دست دادند، و این ظاهراً با تعلیم پولس رسول در تضاد بود. اما ما نمی‌دونیم این در اشاره به چه کسانی و تحت چه شرایطی.

ما می‌دونیم کلیسای اولیه از خیلی جهات تحت حمله‌ی بدعت‌های بسیار متفاوت بود و با مشکلات بسیار متفاوتی مواجه شد، و بعضی به عبرانیان نگاه می‌کنند و می‌گن: «آه، نویسندگی عبرانیان سعی می‌کنه به تعلیم دروغین یهودی‌گرایان قرن یکم پاسخ بده.»

بعضی دیگه می‌گن، «آه، نه، مشکلی که نویسندگی بهش نگاه می‌کنه، تأثیر ناستیک‌های بدعتکاره.» و عده‌ای دیگه نظرشون اینه که «نه، نویسندگی عبرانیان به مسیحیان یهودی می‌نوشت که تحت جفای شدید بودند، و مشکلی که باهاش مواجه شدند، مشکلی بود که اسمش «لاپسی قرن یکم» بود. لاپسی‌ها، مرتدانی بودند که تحت فشار جفاها از ایمانشون دست کشیدن. ما درباره‌ی شهادت‌های پرجلال کسانی شنیدیم که زندگیشون رو به عنوان قربانی به مسیح تقدیم کردند. در باغ نرون، مشعل‌های انسانی شدند، در سیرک ماکسیموس جذابیت زیادی داشتند و خوراک شیرها شدند و بازیچه‌ی گلاباتورها بودند و ما می‌گیم، «خون شهیدان، بذر کلیساست.»

تاریخ کلیسای اولیه مملو از اشاراتی به شجاعت قهرمانانه‌ی مسیحیان اولیه هست، کسانی که به خاطر ملکوت خدا شهید شدند. اما همه شهید نشدند. بعضی تحت فشار جفاها، به طور طبیعی اعترافشون رو انکار کردند و منکر مسیح شدند که اونها رو نجات داد، از این جهت به اونها لاپسی می‌گفتند؛ کسانی که سقوط کردند، کسانی که مرتد شدند.

پس یکی از نظرات برای علت نگارش این موعظه، این بود که مقدسین رو در جفاها تشویق کنه که ایمانشون رو حفظ کنند و تا به آخر پایداری کنند و از مسیح پیروی کنند که ارزش همه چیز رو داشت. پس دوباره تمرکز اصلی از همون ابتدا بر اوست، چنانکه ما این بیانی‌های موضوعی رو خوندم که همه‌ی تاریخ نجات بخش رو به هم متصل می‌کنه، «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق‌های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود،» ولی الان فقط از طریق انبیایی نیست که فرستاده، «بلکه بوساطت پسر- خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله‌ی او عالم‌ها را آفرید؛ که فروغ جلالش» بود.

اگر این عبارت کوتاه رو در زبان اصلی بررسی کنید، مطمئنم که می‌تونه ما رو چند روز مشغول کنه. چون وقتی به جلال خدا فکر می‌کنیم، به همه‌ی تجلیات عهدعتیق فکر می‌کنیم که شکوه و عظمت خدای نامرئی، در بیرون، از طریق ابر شکینا دیده شد و با چنان شدت و درخششی ساطع شد که می‌تونه کورکننده باشه.

و بارها و بارها به ما گفتند وقتی درخشش این جلال الهی ظاهر می‌شه، از خورشید هم تابناک‌تره. و نویسندگی عبرانیان می‌گه چیزی که این درخشش رو در جلال خدا منور می‌کنه، شخص دوم تثلیثه؛ مسیح، فروغ جلال خداست.

و در سراسر تاریخ، هیچ تجلی‌ای، بزرگ‌تر و واضح‌تر و زنده‌تر از ظهور خدای نامرئی در میان انسان‌ها، به اندازه‌ی چیزی نبود که در تجسم پسر- دیده شد. کسی که نه تنها فروغ جلال اوست، بلکه تصویر نمایانی از شخص او بود؛ نه فقط تصویر ماهیت خدا، بلکه تصویر شخص او. این خدا در میان ماست، پس مسیح شناسی والای کتاب عبرانیان در این بیانیه معرفی شده و بعد در سراسر این کتاب پیش رفته.

به ما گفتند، اول از همه، مسیح از فرشتگان برتره، تا اینکه بدعت ناستیکی نفوذ کرد و عیسی رو در سطح یکی از مخلوقات یا فرشتگانی که بخشی از نظام مخلوقاتند، در نظر گرفت. مسیح، فرشته نیست. او خالق فرشتگانه، و خداوند فرشتگانه.

و بعد تجزیه و تحلیل قیاسی در این کتاب به ما داده شده که بین شخصیت اصلی عهدعتیق، موسی، و عیسی، به عنوان دو عهد هست، که تشابهات و تفاوتهاشون رو مقایسه می‌کنه. و البته این تضاد بین خوبی و بدی نیست، بلکه واقعاً مقایسه‌ی بین یک چیز خوب، و بهتره.

این نویسنده به ما میگه، «و موسی مثل خادم در تمام خانه او امین بود... اما مسیح مثل پسر- بر خانه او» بود، او به خونه‌ی پدرش اومد. او پسر- خونه هست، نه خادم استخدام شده‌ی این خونه. و بعد به برتری کهانت مسیح در باب‌های متعدد رسیدگی می‌کنه، و این دو خصوصیت اساسی رو داره. اولاً، یادمونه که کاهن اعظم در عهدعتیق، کسی بود که در روز کفاره برای قوم قربانی می‌داد و این قربانی باید هر سال تکرار می‌شد؛ و دوم اینکه، قربانی‌هایی که توسط خدا پذیرفته می‌شد، به نمایندگی از ویژگی نمادینشون پذیرفته می‌شد، چون همونطور که نویسنده‌ی عبرانیان به ما میگه، در واقع، خون گاوها و بزها نمی‌تونه گناه رو برداره.

پس نویسنده اینجا به ما میگه همه‌ی مراسم‌ها و آیین‌های عهدعتیق که بر کفاره و قربانی تمرکز می‌کردند، همگی مثل سایه، نشون‌دهنده‌ی واقعیتی بودند که میومد، این در قربانی کاملی متمرکز می‌شد که توسط کاهن اعظم و کامل، یکبار برای همیشه از طریق قربانی مسیح انجام شد که ذاتاً شایسته هست که چیزی رو به پدر تقدیم کنه که خون گاوها و بزها نمی‌تونه حتی ذره‌ای از اونو انجام بده.

و دوماً، این نویسنده باید به سؤال کهانت مسیح در ارتباط با سنت عهدعتیق پاسخ بده. در سنت عهدعتیق، کهانت، کهانت هارونی یا کهانت لاویان نامیده می‌شد که هارون اولین کاهن اعظم و از قبیله‌ی لاوی بود؛ پس برای خدمت کهانت، شخص باید از قبیله‌ی لاوی می‌بود و به همین دلیل کهانت لاویان نامیده شده. ولی اینجا در کتاب عبرانیان، مسیح به عنوان پادشاه موعود در ملکوت خدا تعالی یافته، کسی که از قبیله‌ی یهودا میاد. حالا اینجا او به عنوان کاهن اعظم برتر ستوده می‌شه. اگه نسل پادشاهان از یهودا میاد و نسل کهانت از لاویان، پس مسیح چطوری می‌تونه هر دوی اینها رو به تحقق برسونه؟ چون او نمی‌تونه از هر دو قبیله باشه و ما می‌دونیم که او از قبیله‌ی یهوداست، چون پسر داوده.

حُب، به همین دلیل این مباحثه‌ی طولانی رو در عبرانیان درباره‌ی کهانت ملکیمصدق داریم و نویسنده به ما میگه مسیح، کاهن بود، نه مطابق کهانت هارون، و نه مطابق کهانت لاویان، بلکه از نسل ملکیمصدق بود، که در عهدعتیق، تقریباً چیزی درباره‌ی او نمی‌شنویم، و بعد در ادامه میگه کهانت ملکیمصدق، کمتر از کهانت هارون یا لاویان نیست، بلکه در واقع، کهانت برتره.

و برای اثبات این نکته، نویسنده‌ی عبرانیان به عهدعتیق برمی‌گرده و درباره‌ی واقعه‌ای صحبت می‌کنه که ابراهیم با این شخصیت مرموز، با ملکیمصدق صحبت می‌کنه، کسی که معنی اسمش «پادشاه عدالت» و به عنوان پادشاه سالیم یا پادشاه صلح و سلامتی توصیف شده. در این رویارویی، ابراهیم به ملکیمصدق ده یک میده و ملکیمصدق، ابراهیم رو برکت میده. و در سنت یهود، کسی که کوچک‌تره به بزرگ‌تر ده یک میده، و کسی که بزرگ‌تره، به کوچک‌تر برکت میده.

پس چون در این مبادله، ملکیمصدق برتر از ابراهیم در نظر گرفته شده، و چون لاوی از نسل ابراهیمه، پس ثابت می‌شه که ملکیمصدق از لاویان برتره. پس اینجا کسی رو داریم که برتر از انبیاست، کسی که برتر از فرشتگان، کسی که برتر از موساست، کسی که در جلال و عمل، برتر از کهانت اعظم هارونه؛ مسیح همه‌ی اینها رو کنار هم جمع می‌کنه.

پس کتاب عبرانیان، بعد از نشون دادن برتری کار مسیح، خیلی جدی ما را تعلیم میده که نباید به چیزهای ابتدایی قانع باشیم، نباید مثل کودکانی باشیم که با شیر سیر میشن، بلکه باید درک کاملی از امور خدا داشته باشیم و گوشت حقیقت خدا رو بجشیم و بر این اساس تا به آخر پایدار بمونیم، به خدمت مسیح وفادار بمونیم، بدون توجه به رنج‌ها یا جفاهایی که بر ما وارد می‌شه. چون موضوع اینجا، «نجات بسیار عظیمه».

این نویسنده، قصورات قوم اسرائیل در عهدعتیق رو به خوانندگانش یادآوری می‌کنه، کسانیکه خدا داوریشون کرد، چون نجات و رهایی رو که خدا در خروج برایشون فراهم کرد، سبک شمردند. برعلیه او در بیابان شکایت کردند و غیره، پس

نویسنده‌ی عبرانیان همه‌ی اینها رو مرور می‌کنه و میگه، «حالا یک دقیقه صبر کنید، اگه خدا اسرائیل رو به خاطر گوش نکردن به حرف موسی داوری کرد، پس چقدر بی‌اعتنایی ما به رویارویی با کسی که پسر-خداست، جدی هست.» او با این نصیحت و هشدار خلاصه می‌کنه: «پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟» می‌خوام به کسانی که این مقدمه‌ی کامل کتاب مقدس رو تماشا می‌کنند، بگم تقریباً هیچ روزی نیست که یک نفر به من نگه، «عیسی چه اهمیتی داره؟ من می‌تونم بدون عیسی زندگی خوبی داشته باشم؟ من به خدایی که خیلی تنگ نظره و فقط یک راه برای نجات می‌خواد، اعتقاد ندارم.

چه فرقی می‌کنه که مذهب ما چیه؟» و در فرهنگ ما بر علیه هر چیزی که مدعی انحصارگراییه و هر چیزی که مدعی هست که فقط یک راه درست وجود داره، یک انزجاری هست. کاملاً غیرآمریکایی و غیردموکراسیه که فرض کنیم فقط یک واسط بین خدا و انسان هست و فقط یک نجات دهنده می‌تونه عدالت خدا رو اجرا کنه.

پس چیزی که اینجا اتفاق می‌فته، منو دیوونه می‌کنه، وقتی می‌شنوم مردم درباره‌ی عیسی و محمد و بودا صحبت می‌کنند، می‌خوام بگم، «چطور می‌تونید اسم عیسی ناصری رو همزمان با محمد به زبون بیارید؟ آیا محمد برای گناهاتون كفاره داد؟ آیا بودا فروغ جلال خدا بود؟ آیا کنفوسیوس، تجسم خدا بود؟ آیا عظمت نجاتی رو که خدا در عیسی مسیح به شما داده احساس نمی‌کنید؟»

و اگه این ما رو راضی نکنه، اگه اعتراض کنیم که کار خدا کافی نبود و او خیلی تنگ نظره و به اندازه‌ی کافی روشنفکر نیست که با همه‌ی ترجیحات ما سازگار بشه، پس دولت‌مندی خدا رو نادیده می‌گیرید، نویسنده‌ی عبرانیان این سؤال بدیهی رو می‌پرسه، «ما چگونه رستگار گردیم؟» از چی رستگار گردیم؟ اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم، چطور از داوری خدا می‌تونید رها بشید؟ این بدیهی هست، چون جوابش معلومه. جوابش اینه، «نمی‌تونید.»

و بعد نویسنده، تاریخچه‌ی کسانی رو به تصویر می‌کشه که سرسپرده‌ی حقایق خدا بودند و در بسیاری از موارد، با زندگیشون بها دادند، خوراک شیرها شدند و از وسط دو نیم شدند و سنگسار شدند و اینگونه شهید شدند و بعد اسامی قهرمانان ایمان رو میگه که در دنیای بی‌ایمان، با ایمان زندگی کردند؛ افرادی مثل ابراهیم، مثل راحاب، مثل یوسف، مثل داود، مثل جدعون و غیره.

و ما فهرست مقدسین رو داریم که بعدش این نصیحت بزرگ میاد، «چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم»، بعد دعوت به پایداری که «هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده‌ایم، و باید با ایمان زندگی کنیم.»